

سخن نخست

مردم شریف و با دیانت غور! ما در راستایی انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی قرار داریم بیدار باید باشیم نخبه گان قوم شخصیت ها روشنفکران و ملت مجاهد ما یک بار دیگر به خود بیاندیشند و راحل های که نجات دهنده مردم است را در یابند و خود را در برابر جامعه ملت و مردم خود مسول دانسته و از فرصت های پیش آمده حد اعظم استفاده را نموده نگذارند کسانی یا افراد باسرنوشت ملت و مردم ما بازی نمایند که منافع شخصی خویش را بر منافع ملی و جمعی ترجیح میدهند. انتخابات یکی از اصول عمده و اساسی جامعه مردم سالار است. ولی در جامعه که ما عضو از آن هستیم به دلایل متعدد نمی خواهیم یا نمی توانیم آنطوریکه باید سهم خویش را ادا نمایم ادا کنیم در بعضی مواقع از بعضی اشخاص درباره اینکه در انتخابات شرکت میکنید سوال های میداشته باشیم که آیا در انتخابات که در پیش رو دارید سهم میگیرید یا به این شکل که خود را کاندید کرده اید یا از کاندید مشخص حمایت میکنید و بالاخره می خواهید اینکه راهی بدهید یا خیر در جواب اکثریت میگویند نه فایده ندارد اولاً اینکه معلوم است کی برنده می شود دوم اینکه به یک راهی من چی می شود و از کم اهمیت بودن راهی خود سخن میگوید. هموطن عزیز یک راهی شما بسیار سرنوشت ساز است و همین قطره قطره است که بالاخره در یا می شود همین یک راهی است و قتیکه بشکل راهی متعدد می شود اکثریت را تشکیل میدهد و باعث آن می شود که کسی که راهی اکثریت را از آن خود کرده است برنده و بحیث رییس جمهور و یا نماینده شورای ملی و یا شورای ولایتی معرفی شود توقع ما اینست که با سهم گرفتن در انتخابات و انتخاب بهترین کاندید از دیدگاه خود نشان بدهید که مردم افغانستان توانایی آنرا دارند که از بهترین اشخاص و از نخبه گان که در شرایط موجود برفع جامعه و این ملت هستند شناخت درست دارند که می شود انتظار خدمت را نیز از آنها داشته باشند

مصاحبه با شخصیت علم پرور و ادیب بزرگوار کشور



استاد غلام حیدر "یگانه" استاد ادبیات دری دانشگاه صوفیه

اولتر از همه نهاد فرهنگی توسعه ملی و ارگان نشراتی ماهنامه اتحاد تشریف آوری شما ادیب بزرگوار را به وطن خیر مقدم می گوید.

سوال: استاد محترم به عنوان سوال اول، اگر لطف کنید زندگی نامه خویش را به طور مختصر به خوانندگان ماهنامه اتحاد به معرفی بگردید. **جواب:** سیاستگزارم از لطف تان. اینجانب در سال 1332 در پسابند غور به دنیا آمدم. در سال 1356 از رشته دری و انگلیسی دارالمعلمین عالی هرات فارغ شدم. در غور به حیث معلم و مامور کار کردم

و سپس در کابل در وزارت فرهنگ وقت به عنوان معاون مجله «فرهنگ خلق» و بعداً به حیث مدیر نشرات انجمن نویسندگان افغانستان فعالیت نموده ام. بار دیگر محصل شدم و بعد از یک سال تحصیل در رشته زبان و ادبیات عربی در پوهنتون کابل به بلغاریا رفتم و در سال 1994م به درجه ماستر، تحصیل زبان و ادبیات را در دانشگاه صوفیه، به پایان رساندم و در حال حاضر، از جمله استادان ادبیات دری دانشگاه صوفیه، می باشم. **سوال:** استاد محترم، از چه زمان به سرودن شعر و داستان نویسی آغاز نمودید؟ **جواب:** در دوران کودکی به شعر علاقمند گردیدم. زیرا پدر مرحومم که ملا بودند و به حافظ و مثنوی معنوی علاقمندی خاصی نشان می دادند، مرا به خواندن و حفظ اشعار، تشویق می کردند. البته من از صنفهای نهم و دهم و با قبل از آن، به ثبت و نگهداری سروده هایم پرداختم. ولی آنقدر محبوب بودم که هرگز آن مشقها را به ملاحظه معلمین مکتب نرساندم. در سال 1356 با تشویق استادان دارالمعلمین عالی هرات، جناب نظری و جناب نجومی، شماری از سروده هایم در روزنامه اتفاق اسلام و مجله هرات به چاپ رسید و تا آن زمان، 24 دفتر را سیاه کرده بودم که مادرم در دستمالی آنها را بسته و نگهداری می کرد. در سالهای تفنگ و توفان، مادر مضطرب، آنها را در نزدیکی خانه به خاک سپرد، که نباید امانتی را خیانت کند، سپرده است، اما بیشتر از بیست سال است که هر بهار با آب شدن برفها، محل را شیار می کنند و خیری از آن سیاه مشقها به دست نمی آید.

در حال حاضر، دفاتر شعری «غریبانه ها»، «وقتی که آب می گذرد»، «شعر دعا و تفنگ»، «سوره های سحر»، «آدمی تاریکی بود»، «فلسفه مدرن نوروز»... آماده چاپ می باشند. البته، دفتر «سرود های

جواب: اگر منظور از آثار پژوهشی است، قبل از رساله مکتب خانگی غور که در مجله عرفان به چاپ رسید و مورد عنایت اهل تحقیق قرار گرفت، رساله «توی در کاکری» هم در سال 1359 در چهار شماره مجله «فرهنگ خلق» انتشار یافته است. گفتنی است که در همین مجله، بعلاوه شماری از چاربیتهها و قصه های مردم غور، مقالات مفصلی تحت عنوان «هفت گونه نان گندم در غور» و «زمستان مردم غور» نیز به چاپ رسیده است. طی سالهای اقامت در بلغاریا، رساله های «بازیهای کودکان کاکری و بازیهای کودکان در بلغاریا»، «لهجه کاکری»، «جمال بلغار» (واژه بلغار در ادبیات دری)، و همچنان «جلال الدین جلالی، یکی از سلاطین شعر غور»، و نیز نوشته های نظیر «گردنکشی که در زیر آسمان ننگجید»، و تنبغات و مقالاتی نظیر «شور و شکست اصلاحات و سلطنت ده ساله در نه جمله اول امیر امان الله خان»، بررسیهایی نظیر «تمثیل پادشاه غور و پیر مردم شناس در بوستان سعدی» و مقالاتی در باره اشعار و اندیشه های حضرت بیدل مرا به خود مشغول داشته اند.

سوال: استاد محترم طوری که اطلاع داریم در یکی از اشعار شما که البته در خارج از کشور سروده بودید، آمده است.

تنگ آمده این شهر به من، بال و پر م کو

ای باد وطن بوی زمین پدرم کو

حالا که در کشور آمده، اقوام و دوستان رامی بینید چه احساسی دارید؟

جواب: اکنون به قول حضرت بیدل:

غبار کوری ما را علاج نتوان کرد

پر است دیده ز دیدار و همچنان خالیست

سوال: بهترین خاطره شما از دوران مکتب چیست؟

جواب: خاطرات خوش ایام مکتب فراوان است و بهترین آنها همان ساعات درسی است که با ورزیده ترین استادان بسر برده ام. از دوران لیسه، ساعاتی محدودی را که مرحوم قاری ابوبکر غوریانی، مدیر معارف وقت به ما هندسه فضایی تدریس می کرد. ساعات مضمون کیمیا با تدریس جاودان یاد، استاد غلام دستگیر همنوا، ساعات درس پشتو با حضور استاد محترم گل حضرت خان و ساعات پرفیض تاریخ با درسهای استاد عرضی حسین خان، فراموش نانشدنی هستند.

سوال: از نظر شما یک شاعر و نویسنده چه هنجارها و روشهایی را مد نظر بگیرد که باعث موفقیت وی گردد؟

جواب: فقط، یک هنجار را مد نظر بگیرد و آن، هنجار عشق است که شاعر را محو می کند. در غیر آن، هر تلاشی مانند کوششهای من به خودپرستی خواهد انجامید و ممثل داستان آن نحوی و کشتییان در مثنوی معنوی خواهد بود و همانا:

محو می باید نه نحو این را بدان

گر تو محوی اندرین دریا بران (مثنوی معنوی)

سوال: استاد محترم در تاریخهای 23 و 24 حمل، شاهد برگزاری سیمینار بزرگ بین المللی «امپراتوری غوریها و جایگاه آن در تاریخ، تمدن و فرهنگ افغانستان و منطقه» بودیم شما نحوه برگزاری این سیمینار بزرگ را چطور ارزیابی کردید؟

جواب: در یک سخن و بدون هیچ مجامله ای: به نحو احسن برگزار گردید.

آدامه صفحه... 2

صوفیه» نیز قبلاً با شمارگان محدود در بلغاریا انتشار یافته است. گفتنی است که چند سال پیش، دفتر اشعار بلغاریم به نام «Kak si kazvam» (چیست نامم) انتشار یافته و دفتر دیگر اشعار بلغاریم تحت عنوان «Polovinka ot nebito» (نیمه آسمان) آماده چاپ می باشد. نخستین داستان را تحت عنوان «برمی گردم» در سال 1359 در مجله کهور چاپ کردم. در سال 1362، چند داستانی که برای کودکان در مجله عرفان، انتشار دادم، مورد توجه قرار گرفتند و بعضی از آنها از جانب اهل قلم به زبانهای پشتو و ازبکی نیز ترجمه و چاپ گردیدند. امسال قصه «چوچه هفتم» بطور جداگانه و با تصاویر رنگی در صوفیه چاپ شد و اکنون، مجموعه های «زندگینامه»، «گاو ابلق»، «چرچرک»، «پدرهما» و چند داستان دیگر آماده چاپ هستند. **سوال:** استاد محترم تا هنوز چند داستان نوشته کرده اید؟

جواب: در همین لحظه، شمار دقیق داستانها را به یاد ندارم.

سوال: استاد محترم چه چیزی شما را وادار ساخت تا بعد از سالهای دراز داستان «شاخه گلی برای گلندام» را بنویسید؟

جواب: گل اندام، نامی از معشوق است و هرگز و هیچ یک از نوشته هایم خالی از جلوه های «گلندام» نبوده و می پندارم که برای شما نیز غیر ممکن بود که بیگانه از کرشمه های «گلندام»، چنین مشتاقانه و موفقانه، به نشریه وزین اتحاد بپردازید.

سوال: غیر از کتابی که سالها قبل تحت عنوان «در مکتب خانگی غور» نوشته بودید، کدام اثر دیگری هم از خویش به ادب دوستان به ارمغان آورده اید و یا خیر؟

مصاحبه اختصاصی با آمر کمیسیون مستقل انتخابات دفتر ولایتی غور-----ور



فیض محمد میرزا زاده آمر دفتر ولایتی کمیسیون مستقل انتخابات در غور

سوال: بعد از معرفی مختصر کمیسیون مستقل انتخابات پروسه ثبت نام رای دهنده گان در ولایت غور چگونه بوده آیا از لحاظ امنیتی کدام مشکل در پروسه ثبت نام بوجود آمده اگر چنین هم شده عکس العمل شما چه بوده است؟

جواب: کمیسیون مستقل انتخابات به اساس ماده 156 قانون اساسی به منظور اجرا و نظارت از هر نوع انتخابات و مراجع به آرا عمومی (رفراندم) در کشور تشکیل شده و یک ارگان دایمی میباشد.

سوال: پروسه ثبت نام کاندیدان چگونه بوده و به چه تعداد ثبت نام شده اند و آیا کاندیدان هم بوده اند که با مراجع با کمیسیون و ثبت نام چون مطابق به شرایط وضع شده نبوده اند که کاندیدای شان رد شده باشد اگر چنین شده دلایل آن چه بوده است میشود از آنها نام برد؟

جواب: پروسه ثبت نام کاندیدان به خوب سپری شد از تاریخ 5 ثور شروع تا تاریخ 18 ثور یعنی روز جمعه نیز ادامه داشت در این جریان به تعداد 82 تن ثبت نام نموده اند که از جمله 7 تن آنها از طبقه انات بودند. و ما به کدام مشکل در این مدت رو برو نشده ایم و بطور صادقانه و بیطرفانه پروسه ثبت نام کاندیدان خاتمه یافت.

سوال: بیشتر کسانی که خود را کاندید کرده اند از کدام اقصای جامعه میباشند یا نماینده از تمام کتگوریهای موجود می توانند باشند؟

جواب: مطابق قانون نافذ کشور تمام ملیت ها حق کاندید شدن را دارند.

سوال: نام کسانی که در شورای ولایتی خود را کاندید کرده اند چیست؟

جواب: محفوظ است.

سوال: چه فکر میکنید از لحاظ امنیتی و از اینکه هنوز هم کسانی هستند که سلاح دارند و در محیط خود قدرت دارند و میخواهند در پروسه رای دهی و در بر هم زدن انتخابات اخلال ایجاد کنند و اگر هم چنین شود چه تضمین از طرف دفتر می توانید برای مردم و کاندیدان داد؟

جواب: امید وار هستم تا مردم منافع ملی را بدانند و هیچ کس بالای کسی بخاطر منفعت شخصی خود فشارهای غیر قانونی را تعمیم کند.

سوال: در پروسه انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی امسال چند مرحله در نظر گرفته شده به غیر از مرحله ثبت نام رای دهنده گان و ثبت نام کاندیدان به تفکیک وقت می شود گفت؟

جواب: هر انتخابات که دایر میشود قبل از برگزاری آن پیش زمینه ای را دارد و در این قسمت باید گفت که بعد از دوره ثبت نام و بدین شرایط انتخابات ثبت نام کاندیدان است؛ بعد از نمایش لست کاندیدان در محضر عام دوره شکایت؛ دوره رد صلاحیت؛ دوره تأیید کاندید شدن؛ دوره کمپاین؛ دوره مرحله رایدهی؛ شمارش آرا و علام نتایج از جمله مراحل است که بخاطر برگزاری هر نوح انتخابات بکار میرود.

سوال: به عنوان سوال آخر خواست شما از رای دهندگان و کاندیدان محترم که ثبت نام کرده اند چیست؟

جواب: خواست و توقع من من حیث مسؤل اداره انتخابات از رای دهندگان این است که برای کسی رای بدهند که بتواند خواست مردم را بر آورده کند و از کاندیدان این است که وقت معین و مطابق به چوکات اصول کمپاین کنند به مردم وعده های را که عملی نمیتوانند ندهند.

حقوق بشر از دیدگاه اسلام

مصاحبه استاد یگانه.....

سوال: استاد بزرگوار به نظر شما برگزاری همچو سیمینارها چه نقش مثبتی در جامعه افغانی و مخصوصا غوری دارد؟

جواب: بیشتر از آنچه که اکنون بتوان تصور کرد.

سوال: به عنوان آخرین سوال، شما به صفت ادیب بزرگوار کشور چه پیامی برای نسل نوجوان افغانستان بویژه جوانان غور دارید؟

جواب: فرموده رودکی را تکرار می کنم که:

چهار چیز مر آزاده را ز غم بخرد

تن درست و نام نیک و خوی نیک و خرد

یکی از سروده های استاد یگانه دریغ

اگر پنیس، دلم بود، قشاش می کردم
به کودکان شما مهر، آش می کردم

اگر گلاب و عسل چشمهای من می شد
هوای رابطه را نقل پاش می کردم

نبود نی، نفس بی هنر که در هر مشق
عروسکی ز تبسم تراش می کردم

دریغ، مکتب رویای تان، نبودم خشت
که مهره مهره، نشست، بناش می کردم

به ریگزار ملخ دیده تان، نشد افسوس
که این دو دست شکسته رواش می کردم

برنج و ماش شب و روز خویش دم کرده
فدای حسرت شام شماش می کردم

این باغ سیه

تنگ آمده این شهر به من بال و پریم کو

زین باغ سیه تا پیرم، راهبرم کو

در دیده من خاک سیه گشت تماشا

تا گریه کنم، دیده خونین جگرم کو

تنگست هوای فلک و سینه گردون

من مرغ فضای دگر راه درم کو

غم نیست حدیثی که بگویم به عبارت

من تنگدلم، موسم آزادترم کو

هرشب قلم و دفتر و اشعار غریبی

شد بی اثر این نسخه، دواي دگرم کو

گرسنگ شود واژه، بود درد ز آهن

اسمی که چو آتش بدماند اثرم کو

من رفتیم، زنده و مرده نشکیم

ای باد وطن، بوی زمین پدرم کو

استاد یگانه - صوفیه

از نظر اسلام حقوق را که خداوند برای انسان قایل شده از اندازه بیرون می باشد زیرا خداوند در قرآن فرموده است که اگر بشما رید نعمت های من را هرگز شما ر کرده نمیتوانید (سوره نحل) و نیز فرموده است بتحقیق کرامت دادیم بنی آدم را و برداشتیم آنها را در خشکه و دریا و رزق دادیم آنها را از اشیای پاکیزه و لذیذ و فضیلت زیاد دادیم ایشانرا از بسیاری مخلوقات که خلق نمودیم آنها را (بنی اسرائیل) پس نظر به آیات متبرکه حقوق را که خداوند متعال برای بند ه گان خود ارزانی فرموده از روی کرم و احسان خود عطا نموده نه اینکه ذاتا حق دار بوده باشند و حق مسلم آنها بوده باشد آیه مبارکه دیگر نیز به این مضمون دلالت میکند که معنی اش اینست ای مردمان همه شما فقیرانید بسوی خدا و خدا بی نیاز و ستوده شده می باشد (سوره فاطه) پس انسان هم چیز خود را از خدا بداند و خود را فقیر و محتاج در همه چیز به او بداند و در همه نعمتهای او شکر بکشد چونکه خداوند متعال متصف به اوصاف نیکو و منزه از هر نقص و عیب میباشد بنا حکم و قانون آن که برای بندگان خود وضع نموده نیز از نقص و عیب پاک می باشد اما حکم و قانون که از طرف بشر صورت میگیرد خواهی نخواهی از نقص و عیب خالی نمیشود زیرا خداوند متعال فرموده است داده نشده اید از علم مگر اندک پس علم اندک نمیتواند جوابگوی همه نیازها و همه نابسامانی های جوامع بشری باشد و سعادت بشر را تضمین نماید پس یگانه کسیکه میتواند حقوق بشر را تضمین نماید و سعادت بشر را بداند و هر کس را حسب اعمال و گردارش پاداش بدهد خالق متعال می باشد و بس. لذا برای آنها انبیا و کتب را نازل نموده است تا از خرافات. جهالت. بت پرستی هوا پرستی و ادیان باطله رهایی حاصل نموده حق را باطل تمیز دهند خدا را پرستش نمایند و قانون خدا را پیاده نمایند که حکم آفتاب را داراست نه آنکه از قوانین ناقص و مضره ساخته بشر کار بگیرند که حکم شمع را داراست پس اگر کسی در موجودیت آفتاب از شمع سخن بزند و شعاع شمع را بر آفتاب ترجیح بدهد از نهایت احمقت و بی خردی و عوام فریبی آن خواهد بود برای وضاحت موضوع مسله قصاص را مطرح می نمایم. طوریکه خداوند در قرآن مجید قصاص را حیات گفته است به این معنی. وقتیکه قاتل بداند که بجای مقتول کشته میشود. دست خود را نگاه میدارد در اینصورت هم قاتل زنده میماند و هم مقتول اما از نظر سازمان حقوق بشر قاتل کشته نمی شود در اینصورت قاتل دست خود را نگه نداشته مرتکب عمل قتل می شود پس از نظر سازمان حقوق بشر مقتول باید هیچ حقی را دارا نباشد و یا اینکه اصلا بشر نباشد پس واضح شد که حکم اسلام متضمن حقوق بشر شد و مثل آفتاب پرتو افکن شدند از بشرهمین طور تمام مسایل را می توان مقایسه نموده در واقع هر چیز و هر قانونیکه مخالف اسلام باشد در رنگ جاهلیت است چنانچه خداوند متعال میفرماید آیا حکم جاهلیت را طلب مینماید و کیست بهتر از خداوند از روی حکم و قانون. برای قومیکه یقین دارند (سوره مایده).

استاد اعلم

صفحه شعر و معلومات عمومی

در وصف معلم

معلم! رهبر دینی، حلیمی، پارسا هستی
معلم مشفق اهل یقینی، با وفا هستی
معلم آیت عزی، به گیتی جاودان نامت
معلم پایه دینی، چراغ روشنا هستی
مقامت علم الاسما، و نامت منبع معنا
زمهر بی نظیر خود، یقیناً رهنما هستی
الا استاد کار آگاه، الا ای مرشد والا
تو فخر عارفین و مهبط نور الهی هستی
فدایت گوهری استاد، حرف گوهرین گوئی
زمین فضل را تابان، ز شمع خانقاه هستی
به ظاهر رمز عشقی و به معنی عنبر رومی
گلی در گلستانی و دکانی از حیا هستی
بهار سبز زیبایی، نسیم عنبرین سایی
تو عطر دلپذیری و، نوای دلبر با هستی
به چشم اهرمن تیری، به فرق مومنان ناجی
شرابی، شربتی، شهدی، دوایی با شفا هستی
به جشن افتخار تو، سرود ذوق می خواند
"ضیایی" ای ادیب من، گرامی هر کجا هستی
نظام الدین ضیایی دانشجو سال اول دانشکده زبان و ادبیات پوهنتون کابل

زدلم بگم

بیا که چند گپ صاف و پوزگنده زدلم بگم
از زیبای شهر و کوچه های خوشکلم بگم
زمستان اخر شده هوای شهر گرم
بیا که از یخمالک و پاچه پرگلم بگم
تابستان امد و فضای شهر پرزگرد
بیا که از گرد و خاک و داکترانی سنگ نلم بگم
گفتند بما که شهر را پخته خواهیم کرد
بیا که از وکلای خوب و فاحرم بگم
بیا که از مسابقات موتر رانی در شهر
بیا که از ترافیک بزدلم بگم
بیا که از کیفیت چمن و کلب ورزشی
بیا که از مسولین بی خبر و بی حاصلم بگم

محمد مجاهد

مسئولین ماهنامه اتحاد تصمیم گرفتند تا
در آخر هر چهار ماه از نویسندگان بهترین اشعار،
بهترین مقالات، بهترین گزارش، بهترین
مطالب جالب، بهترین خبر و بهترین ترسیم کننده
کارتون تقدیر نمائید پس برای تقدیر از خود و یاری
با ما همکاری قلمی نمائید. از طرف اداره نشریه

چرا از روز جهانی زبان تجلیل می گردد؟

(21- فبروری)

ظاهراً این روز به مناسبت یاد بود 5 دانشجوی بنگلادشی است که در سال 1952 در حال که از رسمیت شناخته شدن زبان بنگل (Bangla) به عنوان زبان رسمی ایالتی در پاکستان دفاع میکردند کشته شدند. پس از سال 1952 مردم بنگلادش همه ساله روز 21 فبروری را گرامی داشته و این روز را بنام روز شهید نامگذاری نموده و این امر به توجه خاص مردم بنگلادش نسبت به زبان مادری شان انجامید. به اساس ارایه طرحی پیشنهادی از کشور بنگلادش به یونسکو، این سازمان تصمیم به اختصاص دادن یک روز به عنوان روز جهانی زبان مادری (21 فبروری) داد. 21 فبروری از سوی سازمان یونسکو بخش فرهنگی سازمان ملل متحد بنام زبان مادری تعیین شده است در این روز با برگزاری نمایشگاه و برنامه های مختلف همه ساله به خاطر اهمیت زبان مادری تجلیل میگردد.

"غلام رسول خاکسار"

اعجاز عددی در قرآن کریم

طوریکه میدانیم کلید کلام الهی بسم الله الرحمن الرحیم است که دارای 19 حرف است. این یکی از معجزه های عددی قرآن کریم است که همین عدد نوزده مخرج مشترک سراسر سیستم ریاضی قرآن است به مثال های زیر توجه کنید.

1- اولین سوره که نازل شد سوره علق است که نوزدهمین سوره از آخر قرآن است و دقیقاً 19 آیت است.

2- قرآن کریم 114 سوره دارد که بر عدد 19 قابل تقسیم است.

3- دومین بار که جبرئیل با قرآن نازل شد 19 کلمه آورد این نوزده کلمه در مجموع 76 حرف دارند که بر عدد 19 قابل تقسیم است.

4 - در دومین نزول جبرئیل 38 کلمه آورد که بر عدد 19 قابل تقسیم است.

5 - در سومین نزول جبرئیل 58 کلمه آورد که بر عدد 19 قابل تقسیم است.

6 - کلمه مقس الله (ج) در قرآن کریم 2698 مرتبه آمده که بر عدد 19 قابل تقسیم است

7 - تعداد کل اعداد ذکر شده در تمام قرآن 285 عدد است که بر 19 قابل تقسیم است.

8 - آیاتی که دارای کلمه (خدا) است مجموع شماره های 118123 است که دقیقاً بر عدد 19 قابل تقسیم است.

9 - بسم الله در قرآن کریم 114 مرتبه ذکر شده که بر عدد 19 قابل تقسیم است.

تهیه کننده: عبدالصبور جويا دانشجو دانشکده علوم طبیعی پوهنتون کابل.

مرغها برق تولید میکنند

در شهر پیکنگ مرکز چین در یک فارم مرغداری از پاروی مرغان برق بدست می آید. روزنامه انگلیسی زبان تحت نام دیلی چین در چهارم ماه می نوشت در یک فارم بزرگ تخم که بنام دیکویای مشهور است در پیکنگ که تقریباً سه میلیون مرغ دارد از پاروی آنها گاز میتان تولید کرده و بعد از طی مراحل از برق آن کار میگیرند.

یک گدای ملیونر

یک گدای 72 ساله را پولیس ایران در ولایت تبریز این کشور دستگیر کرد مسول موسسه که جمع آوری گدایان این شهر را عهده دار است گفته است که در هنگام تلاشی از جیب های این گدا 22 ملیون و 900 هزار پول نقد بدست آمده است.

زنان بیشتر از مردان خنک میخورند

تحقیقات جدید نشان داده است که مردان و زنان بافت عضلاتی و حس حرارتی متفاوت دارند و زنان زودتر از مردان دچار سرما خوردگی و ریزش میشوند. به گفته متخصصان آلمانی دستان سرخ، پاهای سرد و بینی یخزده در زنان بیشتر از مردان وجود دارد زیرا پوست زنان نازکتر از مردان است و حرارت را بیشتر از دست میدهند.

محمد صالح صالحی



گزارش مختصر از ولسوالی پسابند



تصویر از موقعیت فعلی ولسوالی پسابند

موقعیت جغرافیایی پسابند: پسابند یکی از ولسوالی های غربی ولایت غور بوده که از طرف شمال به ولسوالی دولینه و حوزة غورقند از غرب به ولسوالی تیوره ولسوالی نوزاد ولایت هلمند از طرف جنوب به ولسوالی باغران ولایت هلمند از شرق به ولایت دایکندی هم سرحد میباشد دامن و دیار این ولسوالی ادیبان و بزرگان زیاد را پشت سر گذاشته که آثار زیاد از خود بجا گذاشته اند که میتوان از جمله این ادیبان و بزرگان حضرت صاحبی صاحب و شاه سنگان و سلطان خواجه و حاج الدین و خواجه باز محمد و غلام حیدر یگانه و غیره نام برد.

وضعیت حکومتداری و امنیتی پسابند: ولسوالی پسابند با وجود اینکه در سرحد با ولایت های نا امن قرار دارد باز هم به اساس سعی و تلاش بیدریغ مردم در امر تامین امنیت این ولسوالی در وضعیت خوبی امنیتی قرار دارد همه زمام داران محلی با حکومت رابطه خوبی داشته و هیچ نوع مخالفت با نظام وجود ندارد در بعضی موارد سروصدا های در قسمت وخیم شدن امنیت بوجود میاید که باز هم با همکاری همه جانبه مردم باشهامت ان دیار نه حکومت از بین می رود

بازسازی و انکشاف در ولسوالی پسابند: با وجود اینکه زمینه کار و فعالیت برای موسسات فراهم بوده تنها به بهانه اینکه وضعیت امنیتی خوب نیست هیچ نوع بازسازی صورت نگرفته است هنوز هم شاگردان برای آموزش بهتر در جای مناسب و مکتب ندارند و در فضای باز مشغول درس و تعلیم هستند تنها دو موسسه فعالیت داشته

که یکی بنام مدیرا و دیگری اسی اف خدمات موسسه مدیرا چشم گیر تر بوده اما اسی اف هیچ گونه خدمت قابل ملاحظه را انجام نداده است و تنها وسیله سرمایه داری برای خاینین بوده است اما مشکلات اساسی در ولسوالی پسابند را نبود چاه های اب اشامیدنی سرک پلچک تخریبات است که به اثر سیلاب های اخیر زمین های زراعتی را متضرر ساخته است .

معارف در ولسوالی پسابند: محروم ترین نقاط افغانستان در عرصه معارف میباشد سه علل عمده در ان دخیل است یک تبلیغات مغرضین از ولایت های همجوار که انگیزه سوه را در پی دارد دوم دوربودن شاگردان از مراکز تعلیمی و آموزشی سوم بی توجهی مسولین در معارف با آن هم عده زیاد از شاگردان علاقه خاص به معارف دارند در ولسوالی پسابند 44 باب مکتب و 11000 شاگرد مصروف آموزش در آن ولسوالی هستند 6 باب مکتب برای طبقه انات 6 باب متوسطه و 3 باب لیسه تنها 3 تعمیر مکتب در تحت اعمار بوده که دو تعمیر کار آن تکمیل شده و سومی لیسه صاحبی صاحب کار آن نامکمل و شخص قرارداد کننده ان فرار و مفقود الاثر است با آنهم هستند کسانی در این ولسوالی که تا به حال مکتب را ندیده و از نعمت سواد محروم مانده اند.

صحت در ولسوالی پسابند: در ولسوالی مذکور سه کلنیک در حال فعالیت بوده که برای دو از آنها تعمیر کار نشده تنها یک تعمیر کار شده در بخش صحت در ولسوالی پسابند هیچ گونه توجه خاص صورت نگرفته مخصوصا نقاط دور افتاده این ولسوالی حتی اطفال شان واکسین هم نشده است روی این دلایل مردم سالانه تعداد زیادی از جگر گوشه خویش را به اثر امراض مختلف از دست میدهند .

تصحیح مدرن شعر حضرت سعدی

چه خوش گفت یک مردک مرده شوی ز گواره تاگور دالر بجوی
چو شمع از پی پول باید گداخت که بی پول قصر مجلل کی ساخت
ببازار مردی که ز حممت کش است بزین برسرش که کمی سرکش است
ارسالی: فرید شیززی

شعری از مستوره غوری

دل عاشق گرد عارضت مستانه میرقصد بله چون شمع روشن شد دوصد پروانه میرقصد
به هر جا پرتونوری زانوار خدا باشد یکی در مسجد و دیگری پی میخانه میرقصد
مگر نقاش در بتخانه زر نقش جمال تو که از شوق تو میبینم بت و بتخانه میرقصد
مرا دیروز واعظ و عظم ترک عشق میفرمود شکست امروزه پیمان بر سر پیمانه میرقصد
نلم چون دام زلف ودانه خال تو می بیند ز ترس دام می لرزد ز شوق دانه میرقصد
مگر باد صبا از چین زلفش نگهتی دارد که بلبل در گلستان جغد در ویرانه میرقصد
که باشد در پس پرده نوای دلبری دارد ز آوازش ببین مستوره را دیوانه میرقصد

	نشریه اتحاد نشریه آزاد ، مستقل غیر	
	وابسته بوده و افتخار دارد تا واقعیت ها،	
	مقالات ، اشعار، داستان های جالب ، مشکلات و	
	چالش های جامعه را به تصویر بکشاند هم	
	چنین ماهنامه اتحاد در نشر مقالات آموزشی	
	علمی ، فرهنگی و سیاسی دست باز دارد	
	بنا از تمامی قلم بدستان تقاضا میگرد تا ما	
	را یاری رسانند	
	از طرف اداره نشریه	

ارگان نشراتی: بنیاد فرهنگی توسعه ملی

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی توسعه ملی

مدیر مسئول: پرویز یعقوبی 0797068473 ایمیل آدرس: Parvaiz_yaqoub@yahoo.com

معاون مدیر مسئول: عبداللطیف "فضلی"

سر دبیر: شجاع الدین "شجاع"

معاون سردبیر: منیر "پار سا"

ویراستار: خلیل الله "رسول"

طرح و دیزاین: محمد نبی "سلطانی" موبایل: 0708482008

تحت نظر هیت تحریر .

گزارش گران:
چغچران: غلام رسول خاکسار و محمد شفیع حنیفی
دولت یار: جمعه خان
تولک: فضل الحق "وحید"
تیوره: محمد مجاهد
چهارسده: عبدالحکیم ساقی و محمد صداقت
لعل و سرچنگل: محمد آصف همراز
دولینه: احمد وثیق
شهرک: شراف الدین
پسابند: محمد فهامی
ساغر: -----
آدرس: شهر چغچران مقابل دارالمعلمین عالی غور بلاک سوم منزل دوم اطاق نمبر 3 دفتر مرکزی بنیاد فرهنگی توسعه ملی
ایمیل آدرس: